



معرفی و بررسی کتاب النقض

پدیدآورده (ها) : حسینی شاه ترابی، سید مرتضی
تاریخ :: سخن تاریخ :: تابستان 1387 - شماره 3 (ISC)
از 56 تا 73

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/378451>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 01/04/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

معرفی و بررسی کتاب النقض

سید مرتضی حسینی شاه‌ترابی*

چکیده

بررسی کتاب «النقض»، از آثار کلامی شیعه از نوع ردیه‌نویسی، موضوع این مقاله است. این کتاب در قرن ششم هجری در شهر ری و در پاسخ به کتاب «بعض فضائح الروافض» نگاشته شده که با سخنان ناشایست و موضع‌گیری‌های خود، درصدد ایجاد تفرقه میان شیعیان و سنیان بوده است. کتاب النقض با روی کرد کلامی تدوین یافته، اما با توجه به اطلاعات تاریخی پراکنده‌ای که در آن به چشم می‌خورد، اهمیت تاریخی مهمی یافته است. اطلاعات تاریخی منعکس شده در النقض سه دسته؛ تاریخ صدر اسلام، اوضاع سیاسی- اجتماعی عصر نویسنده و تاریخ تشیع می‌باشد. عبدالجلیل قزوینی رازی نویسنده کتاب النقض، از متکلمان، عالمان و سخن‌وران نام‌دار ری به شمار می‌آید. اهمیت تاریخی کتاب به اخبار و گزارش‌هایی بر می‌گردد که درباره اوضاع سیاسی- اجتماعی آن زمان نگاشته است.

واژگان کلیدی

النقض، عبدالجلیل قزوینی رازی، محدث ارموی، تاریخ اسلام، ری.

* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ تمدن اسلامی از افغانستان.

تاریخ، تجربه گذشتگان در جهت بهتر زیستن است و کتاب، انتقال‌دهنده این تجربه از نسلی به نسل دیگر. باید با کتاب قرین شد، آن را شناخت و به دیگران شناساند. آشنایی با کتاب یعنی آشنا شدن با دنیایی دیگر و تجربیاتی دیگر که نویدبخش فردایی بهتر است.

در میان کتاب‌ها برخی ارزش‌مندند و به‌سان دُرّی ثمین، چشم‌نوازند و دل را شیفته هم‌نشینی خویش می‌کنند. کتابی که در نوشتار حاضر بررسی و معرفی می‌شود، از جمله همین کتاب‌هاست. این نگاشته، که مخاطبان خویش را در حدّ توان، با این اثر ارزش‌مند و نفیس تاریخی آشنا می‌کند.

عصر نگارش کتاب

کتاب *النقض* یادگار عصری است که تمدن اسلامی رو به زوال نهاد، امپراتوری عباسی از هم پاشید و قدرت سیاسی در دست ترکان سلجوقی بود. خلفای عباسی از مقام خلافت، فقط نام و تشریفات آن را داشتند و کارکردی بیش از اعطای خلعت و تأیید امارت سلسله‌های حاکم نداشتند. سرزمین‌های اسلامی، بستر رقابت‌های سیاسی و اختلافات سلجوقیان بر سر قدرت بود. هرکدام از آنان در بخشی از قلمرو پهناور سرزمین اسلامی، قدرت یافته و آن را به طریق وراثت، در خاندان خویش تداوم بخشیده و حکومت‌های سلاجقه روم، شام، کرمان و سلاجقه‌ی عراق و کردستان را شکل داده بودند.^۱ افزون بر اینها، سنت اتابک‌گزینی در میان آنان، سبب گشته بود سلسله‌های کوچک جدیدی با عنوان اتابکان، در دل این دولت‌ها رشد کنند و سلسله‌های اتابکیّه متعددی را با نام‌های اتابکان آذربایجان و همدان، اتابکان فارس، اتابکان شبانکاره فارس، اتابکان لرستان کبرا و اتابکان لرستان صغرا به وجود آورند.^۲

۱. نک: عماد الدین محمد بن محمد حامد الاصفهانی، *تاریخ دولت آل سلجوق*، مقدمه یحیی مراد ص ۳۲۳-۳۸۴، چاپ اول: دارالکتب العلمیه بیروت، ۱۴۲۵ق، کلیفورد ادموند بوسورث *سلسله‌های اسلامی*، ترجمه فریدون بدره‌ای ص ۱۷۷-۱۸۳ مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تهران، ۱۳۷۱ش؛ سهیل طقوش، *تاریخ سلاجقه الروم فی آسیای الصغری*؛ بیروت، دارالنفاّس، ۱۴۲۳ق، فصلهای ششم، هفتم و هشتم، ص ۱۱۹-۲۰۷.

۲. *سلسله‌های اسلامی*؛ چاپ اول: ص ۱۸۷-۱۹۳؛ رسول جعفریان؛ *تاریخ ایران اسلامی*، ج ۲، ص ۲۹۸ چاپ سوم: تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱.

با آغاز جنگ‌های صلیبی و حملات صلیبی‌ها به جهان اسلام، قلمرو اسلامی دچار هرج و مرج سیاسی و ازهم‌گسیختگی شدیدی شد که جریان سیاسی - مذهبی اسماعیلیان نزاری ایران، نمونه بارزی از این پراکندگی بود. آنان در دژها و قلعه‌های مستحکم مناطق کوهستانی مأوا گرفتند و با درپیش گرفتن سیاست ترور، عرصه را برای کارگزاران دولت سلجوقی و مخالفان مذهب خویش نا امن کردند. شدت عمل آنان به قدری بود که این اقدام آنان، شیعیان امامی را نیز که در کنار اهل سنت می‌زیستند، دچار مشکل کرد. سنیان در همین جهت، اسماعیلیان را ملاحده و کافر می‌خواندند و برای اعمال فشار بر شیعیان می‌گفتند: «رافضی دهلیز ملحدی است.»^۱ یعنی مردم ابتدا شیعه امامی می‌شوند، سپس از این مجرا به مذهب اسماعیلی می‌پیوندند.

در این عصر، علاوه بر جریان اسماعیلیان، تنش‌ها و اختلافات مذهبی متعددی دامن گیر جامعه اسلامی شد که اختلاف فراگیر مذهبی میان حنفیان و شافعیان از آن جمله بود. برخی نیز در این بحبوحه، سعی می‌کردند تا به اختلاف بین شیعیان و سنیان دامن بزنند که کتاب *بعض فضائح الروافض* نمونه‌ای از این تلاش تفرقه‌انگیز است.

کتاب *النقض* بازمانده چنین عصری به شمار می‌آید و تعارضات و تنش‌های مذهبی آن زمان را نشان می‌دهد. اقدام نویسنده، تلاشی است عالمانه و مسالمت‌آمیز در جهت کاهش این تنش‌ها و زدودن برخی توهّمات موجود میان سنیان و شیعیان. این کتاب در امتداد سیر رشد یافته نگارش کتاب‌های کلامی و عقیدتی شیعه در سده‌های پنجم تا هفتم قمری و نمونه‌ای از کلام عقلی شیعه است که در ادامه شرح و بسط آرای شیخ توسی، سید مرتضی و شیخ مفید قلمداد می‌شود.

نویسنده کتاب

نصیرالدین عبدالجلیل بن ابی‌الحسین بن ابی‌الفضل قزوینی^۲ رازی، نگارنده این کتاب است که از عالمان شیعی و متکلمان برجسته سده ششم قمری از دیار ری^۳. وی شخصی دانشمند، فصیح و دین‌دار^۱ بود و به تعبیر قاضی نورالله شوشتری:

۱. عبدالجلیل قزوینی رازی، *النقض*؛ تصحیح جلال الدین محدث ارموی، چاپ دوم: ص ۱۷۵ انجمن آثار ملی، تهران ۱۳۵۸ ه.ش.

۲. منتجب الدین علی بن بابویه رازی، *الفهرست*، تحقیق سید جلال الدین محدث ارموی، کتاب‌خانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ص ۸۷ قم ۱۳۶۶ ه.ش.

۳. اسماعیل باشا بغدادی: *هدیه العارفین*، ج ۵، ص ۵۰، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۳ ق.

از ازکیای علمای اعلام و اتقیای مشایخ کرام بوده و در زمان خود به علو فطرت و جودت طبع از سایر اقران امتیاز داشته^۲ است.

او از سخن‌وران و وعاظ معروف زمان خود به شمار می‌آید^۳ و توصیف شیخ منتجب‌الدین رازی (م ۵۸۵ هـ) از او با عنوان «الشیخ الواعظ»^۴ این ویژگی را بیان می‌کند. شیخ عبدالجلیل، سخنانی نافذ و گیرا^۵ و مجالس وعظ و منابر متعددی داشت که شیعه و سنی در آن شرکت می‌کردند. او در بخشی از کتاب النقص بنابر مناسبتی، به یکی از این مجالس اشاره می‌کند و می‌نویسد:

در شهر سنه خمسين و خمسمائه، مرا روز آدینه به مدرسه بزرگ خود نوبت مجلس بود. در آن میانه، بر مذهب صباحيان طعنی می‌رفت و مردم به لعنت و نفرین آن قوم شوم، زبان‌ها دراز کرده، در آن میانه مجتبی متعصب برخاست و گفت: «خواجه امام! این قوم در "خیرالعمل" سر به گریبان تو برآورده‌اند.» گفتم: «در خیرالعمل سر به گریبان من برآورده‌اند، اما در وجوب معرفت، زبان به دهان تو به در کرده‌اند؛ پس من پیرهن برکنم تا گریبان بنماند که او سر برکند، تو را دشوارتر است که آن دهان باشد، در آن دهان زبان باشد.»^۶

در جایی دیگر نیز اشاره می‌کند که در سرای سید فخرالدین که از بزرگان شیعه و رؤسای سادات ری^۷ و منزلش محفل عالمان و دانش‌مندان بوده، نوبت مجلس و وعظ برای او تعیین می‌شده است.^۸ در تحقیقات پیرامون علوم اسلامی نام و نسب او به طور مشهور، نصیرالدین عبدالجلیل بن ابی‌الحسین بن ابی‌الفضل قزوینی است، نویسنده ریاض‌العلماء می‌نویسد:

از بعضی مواضع نسب وی به گونه‌ای دیگر برداشت می‌شود و من خودم بر پشت کتاب المثلالب یادشده توصیف او را چنین دیده‌ام: «این کتاب را صدراالامام

۱. همان، ص ۸۷؛ حرعالمی، امل‌الآمل، تحقیق سید احمد حسینی، ج ۲، ص ۱۴۳ دارالکتاب الاسلامی، قم ۱۳۶۲ ش.
۲. قاضی نورالله شوشتری، مجالس‌المؤمنین، چاپ چهارم: ج ۱، ص ۴۸۲ انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۳. میرزا عبدالله افندی، ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء، به اهتمام سید محمود مرعشی، تحقیق سید احمد حسینی، ج ۳، ص ۷۲ چاپ‌خانه خیام، قم ۱۴۰۱ ق.

۴. الفهرست، ص ۸۷

۵. رافعی: تدوین: نسخه عکسی اسلامبول، ص ۲۴۱، به نقل از النقص، مقدمه مصحح، ص ۱۹.

۶. النقص، ص ۱۳۷.

۷. همان، ص ۱۴۳.

۸. همان، ص ۴۵۱.

نصیرالدین رکن الاسلام سلطان العلماء ملک الوعظ عبدالجلیل بن الحسین ابی الفضل القزوینی تألیف کرده است.^۱

اساتید و مشایخ او بر ما ناشناس مانده و آگاهی چندانی از آنها نداریم؛ فقط از برخی قراین، استنباط می‌شود که عده‌ای از علما که نویسنده، زمانشان را درک کرده و نامشان را در *النقض* آورده، به ویژه عالمان شهر ری، از مشایخ اویند و برادر بزرگ‌تر وی، اوحدالدین، شیخ روایت اوست،^۲ زیرا در اواسط کتاب به روایت خویش از او تصریح می‌کند.^۳

از تاریخ تولد و وفات او اطلاعی در دست نیست، اما از پاره‌ای قراین مشخص می‌شود که تولد وی در اواخر قرن پنجم و وفاتش در نیمه دوم سده ششم قمری یعنی پس از سال ۵۶۰ بوده است.^۴

شیخ عبدالجلیل علاوه بر کتاب *النقض*، آثار دیگری هم داشته است که عبارتند از:
الف) *تنزیه عایشه*^۵

این کتاب هم‌چنان که از عنوان آن استفاده می‌شود، برای اثبات پاک‌دامنی عایشه و مبراً نمودن از نسبت ناشایست آلوده دامانی است؛ هم‌چنان که نویسنده *روضات الجنات* تصریح می‌کند:

کتاب *تنزیه عایشه* یعنی [پاک‌نمودن عایشه] از فواحش عظیمه، همان‌سان که محل وفاق امامیه است.^۶

نویسنده ریاض العلماء نیز خاطرنشان می‌کند:

پوشیده نماند که منظور او از *تنزیه عایشه*، *تنزیه او از زناست نه از معاصی*؛ زیرا نزد شیعه، او مبرای از زناست البته و هم‌چنین تمامی همسران پیامبر خدا ﷺ و هم‌چنین همسران دیگر انبیاء.^۷

۱. ج ۳، ص ۷۲.

۲. *الفهرست تعلیقات محقق*، ص ۲۶۴.

۳. *النقض*، ص ۳، ۲۱۱ و ۴۹۵.

۴. همان، مقدمه مصحح، ص ۲۳.

۵. *الفهرست*؛ ص ۸۷، میرزا محمدباقر موسوی خوانساری، *روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات*، ج ۴، ص ۱۸۶، چاپ اول: الدار الاسلامیه، بیروت ۱۴۱۱ق.

۶. ج ۴، ص ۱۸۶.

۷. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۷۲.

این کتاب همان مجموعه‌ای است که به تصریح نویسنده آن، در سال ۵۳۳ قمری در زمان حکومت امیرعباس غازی، حاکم ری، به دستور سید سعید فخرالدین بن شمس‌الدین حسینی، رئیس و مقتدای سادات و شیعیان، نوشته شده و قاضی‌القضات سعید عمادالدین حسن استرآبادی حنفی^۱ بر آن تقریظ نوشته و نسخه اصل آن به خزانه امیر عباس اهدا شده است.^۲ به توصیه شیخ عبدالجلیل قزوینی:

هر کس از فریقین که خواهد که اعتقاد شیعه در عایشه و امسلمه و همه زنان مصطفی بدانند، باید که کتاب فی تنزیه عایشه که ما در دولت امیرعباس غازی و عهد قاضی‌القضات، سعید حسن استرآبادی، به اشارت امیرسید شمس‌الدین حسینی - رحمه الله علیه - ساخته‌ایم، برگردد و بخواند.^۳

ب) مفتاح الراحة فی فنون الحکایات^۴

در نام این کتاب، اختلاف شده است و برخی منابع از آن، با عنوان *مفتاح التذکیر* یاد کرده‌اند^۵ که به نظر می‌رسد دلیل اختلاف این باشد که کتاب مذکور نظر به تنوع موضوعش، مطلوب فضلالی آن دوره و غالباً برای مذاکرات سودمند بوده است؛ بنابراین، در نتیجه کثرت اطلاق *مفتاح التذکیر* بر آن کتاب، نام اصلی آن یعنی *مفتاح الراحة فی فنون الحکایات* مهجور شده و نام دوم که به جهت اختصار مطلوب‌تر بوده، وضع تعینی یافته است.^۶

این کتاب می‌گوید:

من در کتاب مفتاح الراحة فی فنون الحکایات شرح ایمان عمر به نوعی بیان کرده‌ام لطیف و بسی از معروفان فریقین آن را نسخه کرده‌اند و دیده و برخوانده‌اند؛^۷ و اعتقاد شیعه در حق زهاد و عباد و مفسران، چنین به غایت نیکو باشد و چون مفصل خواهد که بدانند، کتاب مفتاح الراحة که ما جمع کرده‌ایم در فنون

۱. الفهرست، تعلیقات محقق، ص ۲۶۱.

۲. النفض، ص ۱۱۵.

۳. همان، ص ۲۹۵.

۴. آقا بزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۳۰ دارالاضواء بیروت.

۵. هدیة العارفین؛ ج ۵، ص ۵۰۰؛ روضات الجنات، ج ۴، ص ۱۸۶؛ امل الأمل، ج ۲، ص ۱۴۳؛ ریاض العلماء، ج ۳، ص ۷۱.

۶. الفهرست، تعلیقات محقق، ص ۲۶۱.

۷. النفض، ص ۱۷۷.

حکایات، سی‌پاره کاغذ است، مطالعه باید کردن تا فایده حاصل شود و شبهت زایل گردد.^۱

ج) البراهین فی امامة امیرالمؤمنین^۲

این کتاب در سال ۵۳۷ قمری نگاشته شده و گرچه از نام آن چنین انتظار می‌رود که فقط در برگیرنده ادله امامت امام علی (ع) باشد، اسامی همه خلفا و القاب آنان، به ویژه خلفای عباسی را شامل می‌شود.^۳

د) السؤالات و الجوابات^۴

این کتاب حاوی سؤالاتی است که به طور کتبی از نویسنده پرسیده شده و او به آنها پاسخ می‌گوید. این کتاب هفت جلدی، به خوبی مشخص می‌کند که او در زمان خود، از معارف و مشاهیر علما بوده و از مراجع حل مشکلات به شمار می‌رفته است.^۵

معرفی کتاب

نام کامل این اثر *بعض فضائل النواصب فی نقض بعض فضائل الروافض*، یعنی برخی از معایب ناصبیان، در ردّ کتاب برخی از رسوایی‌های رافضیان است که بنابر اختصار، آن را کتاب *النقض* می‌خوانند.

این مجموعه، از آثار ارزش‌مند کلامی - تاریخی شیعه به شمار می‌آید که به زبان فارسی شیوای سده ششم قمری نگارش یافت. موضوع آن، پاسخ‌گویی و ردّ تهمت‌ها و نسبت‌های ناروایی است که یکی از نویسندگان سنی‌مذهب ساکن ری در کتابی با نام *بعض فضائل الروافض* به شیعیان ایراد ساخته است.

بعض فضائل الروافض نیز به زبان فارسی بود و در سال ۵۵۵ قمری نگارش یافت. برخی براین باورند، نویسنده این کتاب، شهاب‌الدین تواریخی شافعی رازی از

۱. همان، ص ۲۳۹.

۲. الفهرست، ص ۸۷؛ هدیة العارفین؛ ج ۵، ص ۵۰۰؛ روضات الجنات، ج ۴، ص ۱۸۶؛ امل‌الآمل، ج ۲، ص ۱۴۳؛ ریاض‌العلماء، ج ۳، ص ۷۱؛ الذریعة، ج ۲۱، ص ۳۳۰.

۳. *النقض*، ص ۳۷۶.

۴. الفهرست، ص ۸۷؛ هدیة العارفین، ج ۵، ص ۵۰۰؛ روضات الجنات، ج ۴، ص ۱۸۶؛ امل‌الآمل، ج ۲، ص ۱۴۳؛ ریاض‌العلماء، ج ۳، ص ۷۱.

۵. الفهرست، تعلیقات محقق، ص ۲۶۰.

۶. *النقض*؛ مقدمه مصحح، ص ۲۱.

بنی‌مشاط بوده که سعی در پنهان داشتن نام خود داشته است.^۱ بنابر گزارش *النقض*، این نویسنده مطالب سست و بی‌اساسی را به شیعیان نسبت می‌دهد و چنین وانمود می‌کند که در ابتدا شیعه‌مذهب بوده و پس از روی‌گردانی از تشیع، به عقاید اهل سنت گرویده است.^۲ او کوشیده، تشیع را مذهبی ضالّه، دور شده از اسلام و ناآشنای با منطق و استدلال جلوه دهد. نویسنده مذکور، نام و لقب خویش را بر روی کتاب ننوشته و نوشته‌اش به شکل مجموعه‌ای مجهول‌المؤلف منتشر شده است.^۳

عبدالجلیل پس از اطلاع از نشر این اثر، نسخه‌ای از آن را تهیه نمود و پس از مطالعه و بررسی دقیق، کتاب *بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض* را در ردّ آن نگاشت.

او پاسخ خویش را بر استدلالات زیبا و تعبیرات روان بنا گذاشت و در این باره می‌نویسد:

چون این عزم مصمم شد، دل مژده به جان داد و جان، پیغام به زبان و زبان به بَنان و بَنان، به بیان که اگر می‌خواهی که این لعل را طَرفِ کمرِ ایمان کنی، صواب آن باشد که دیباچه کتاب به نام آخرین امامان کنی. در حال، قدم در راه فرمان نهادم و بعد از استخاره - تقریباً الی ربّ العباد و وسیلة و ذخیره لیوم المعاد - شروع افتاد. در این جواب ملزم به نام و تأیید صاحب‌الزمان، مهدی بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب - علیهم الصلوه و السلام - آن امام مقتضی الطاعة که به فضل و علم و عصمت، از اهل زمانه خود مخصوص است و به فرض طاعت، از حق تعالی منصوص است و به اقبال آن امام همام علیه السلام، این کتاب بر وجهی مرتب شد که خواص را دافع شبهات باشد و عوام را مثمر دلالات؛ به عبارتی سهل و آسان، نه بر قاعده دیگر مصنفات ما که دقتی و رقتی دارد که قبول چنین کتاب، نه از رقت عبارت باشد، بل از شرف حوالت و دلالت باشد تا هر خواننده که بخواند و هر نویسنده که بنویسد و هر شنونده که بشنود، از آن بهره تمام برگیرد و فایده بسیار حاصل کند - و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و هو حسبی و نعم الحافظ والمعین و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.^۴

۱. الدرریمه، ج ۲۴، ص ۲۸۴.

۲. النقض، ص ۱۵.

۳. همان، ص ۵.

۴. همان، ص ۶-۷.

از این عبارت، روشن می‌شود که نویسنده کوشیده تا کتاب را به قلمی ساده و عباراتی همگان‌فهم بنویسد و مطالب عالیه و مضامین بلند و معانی دل‌نشین را با بیانی روان ادا کند تا هرکس به فراخور فهم و استعداد خویش، بهره‌بردار به تعبیر محدث ارموی:

واضح‌ترین دلیل و اجلی شاهد بر این امر، مقایسه تفسیر ابوالفتح رازی و کتاب النقض با هم دیگر است؛ زیرا این دو اثر، هردو نمونه نثر فارسی یک قرن و تألیف دو عالم متعاصر است.^۱

گفتنی است، *النقض* معروف‌ترین اثر شیخ عبدالجلیل بوده و دیگر آثار او، شهرت کمتری دارد.^۲

آغاز نگارش *النقض* بنابر تصریح نویسنده آن در زمان سلطنت محمدبن محمود سلجوقی بوده^۳ که در اواخر سال ۵۴۷ قمری بر تخت نشست و در ذی‌القعدة ۵۵۴ از دنیا رفت. زمان اتمام آن نیز طبق بیان خود نویسنده در محرم سال ۵۵۵ بود^۴ و در سال ۵۵۶ هم منتشر شد.^۵

اهمیت کتاب

این تألیف در وهله نخست، اثری کلامی از نوع ردیه‌نویسی است، اما به سبب گزارش‌ها و اخباری که از اوضاع سیاسی - اجتماعی عصر نگارش خود می‌دهد و آداب و رسوم و موارد مختلفی از جنبه‌های زندگانی مردم و جامعه انسانی دیار ری را منعکس می‌کند، اهمیت تاریخی دارد. به همین دلیل، در زمره آثار مهم و کلیدی تاریخ کهن ری، به ویژه سده‌های پنجم و ششم قرار گرفته است.

نویسنده ضمن پاسخ به تهمت‌ها و ردّ اکاذیب *بعض فضائح الروافض*، نام شهرها و محله‌های متعدد شیعی‌نشین جغرافیای امروزی ایران را در سده‌های نخستین قمری ذکر می‌کند، به اسامی محله‌های شیعی‌نشین و سنی‌نشین، اسامی مدارس، مساجد و کتاب‌خانه‌های ری و نیز نام بسیاری از بقاع متبرکه و زیارتگاه‌های مربوط به اخلاف و اعقاب معصومان در نقاط مختلف که در سده ششم دایر بوده است، اشاره می‌کند. هم‌چنین

۱. الفهرست، تعلیقات محقق، ص ۲۶۴.

۲. همان، ص ۲۵۷.

۳. النقض، ص ۱۲.

۴. همان، ص ۶۴۶.

۵. همان، مقدمه مصحح، ص ۲۱.

نام علما، بزرگان، خیران، دانش‌مندان، نویسندگان، شاعران، وزیران و دولت‌مردان شیعی و غیرشیعی را بیان می‌نماید. بدین ترتیب، مجموعه‌ای رجالی، تاریخی، کلامی، جغرافیایی و ادبی در اختیار ما قرار می‌دهد.

شیخ عبدالجلیل هم‌چنین در لابه‌لای نوشتار خویش، حوادث و رویدادهای مهمی از صدر اسلام را بازگو می‌کند که این امر نیز بر ارزش و اهمیت کتاب می‌افزاید. صرف نظر از همه این توصیفات، که این اثر، از مهم‌ترین آثار در زمینه ادبیات منثور شیعه به شمار می‌آید و به سبب نثر شیوا و دل‌نشین، ادیبان و هنردوستان به آن عنایت دارند. مرحوم عباس اقبال آشتیانی، نویسنده، ادیب و دانش‌مند فارسی، از این کتاب به گوهر گرانبها و دُر نایاب تعبیر کرده،^۱ درباره آن می‌گوید:

این کتاب شیخ عبدالجلیل قزوینی، اگرچه مذهبی و در نقض کتاب یکی از علمای سنت است که بر شیعه تاخته بوده، لیکن از آن لحاظ که یکی از متون قدیم فارسی است که فقط چند سالی بعد از چهار مقاله نظامی عروضی و مقامات حمیدی تألیف شده و مشتمل بر بسیاری از مطالب مهم تاریخی و ادبی است، نسخه‌ای بسیار نفیس و گران‌بهاست.^۲

مرحوم علامه میرزا محمدخان قزوینی، در نامه‌ای که برای استاد علی‌اصغر حکمت نگاشته، از این اثر با تعبیر «کتاب بسیار بسیار نفیس مهم مفید متمتع دل‌کش، ضالّه منشوده چندین ساله‌ی این حقیر، یعنی کتاب مستطاب جلیل‌القدر عظیم‌الشأن نادرالوجود اعزّ از کبریت احمر» یاد می‌کند^۳ و می‌نویسد:

کتاب مزبور یعنی بعضی مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض که از این به - بعد حبّاً للاختصار - در طی این عریضه، همیشه از آن به کتاب *النقض الفضائح* تعبیر خواهم نمود، از جمله کتب بسیار مهم شیعه است.^۴

شادروان دکتر سید جلال‌الدین حسینی، معروف به محدث ارموی، با تلاش چشم‌گیر و خستگی‌ناپذیر، پس از قریب به سی سال تحقیق و پژوهش، در سال ۱۳۲۸ شمسی، امر تصحیح این اثر بی‌بدیل را به اتمام رساند و سپس به نشر آن اقدام نمود. نتیجه این

۱. همان، ص ۹.

۲. همان، ص ۱۰.

۳. همان، ص ۱۱.

۴. همان، ص ۱۱-۱۲.

تلاش‌های بی‌شائبه، چاپ و انتشار این کتاب در جلد وزیری، با حجم ۷۴۳ صفحه به ضمیمه پانزده صفحه مقدمه مصحح بود که به سال ۱۳۳۱ انجام شد.^۱

تلاش پی‌گیر مصحح ادامه یافت و وی در همین زمینه، کتاب کوچکی با نام مقدمه *النقض و تعلیقات آن* در ۱۶۰ صفحه به سال ۱۳۳۵ شمسی و نیز نوشته دیگری با عنوان *کلید النقض و تعلیقات آن* به سال ۱۳۳۶ منتشر کرد.^۲ او با علاقه بسیاری که به این کتاب داشت، به آن مقدار بسنده نکرد و درصدد تصحیح مجدد و تعلیقات مفصل بر آن برآمد. سرانجام دست‌آورد تلاش علمی خویش را در سال ۱۳۵۸ شمسی در سه جلد که بر یک جلد متن کتاب و دو جلد تعلیقات آن بود مشتمل، آماده نشر نمود، اما اجل به او فرصت نداد و هنگام تنظیم مقدمه کتاب، عمرش پایان یافت.^۳

پس از او فرزندش، علی محدث، نگارش مقدمه کتاب را تکمیل کرد و یادگار تلاش علمی پدر را به‌دست چاپ و نشر سپرد. در نهایت، کتاب *النقض* با تصحیح جدید محدث ارموی در اسفند ماه سال ۱۳۵۸ در یک جلد وزیری، به همت انتشارات انجمن آثار ملی تهران، در شمارگان ۱۵۰۰ نسخه منتشر شد. از مزایای این چاپ، هفتاد صفحه مقدمه از مرحوم سیدجلال‌الدین محدث ارموی و نیز فرزندش است که در آن به شرح حال نویسنده کتاب، آثار او و تاریخ تألیف آن اشاره دارد. فهرستگان آیات، احادیث، امثال، اشعار، لغات و اصطلاحات، اشخاص، فرق، مکان‌ها و کتاب‌ها از جمله ضمایم این کتاب در چاپ مورد نظر به شمار می‌آید. گفتنی است، *تعلیقات النقض* که در مجموع حجمی حدود ۱۴۷۰ صفحه را دربر می‌گیرد نیز در دو جلد مجزا منتشر شده است. مجموع سه جلدی مذکور که در کل بالغ بر دو هزار صفحه را شامل می‌شود، حاصل یک عمر تلاش انسانی وارسته است که سعی خویش را بر خدمت به علم و دین گزارداده بود. روانش شاد و نامش ماندگار باد!

بررسی کتاب

تا این‌جا کتاب *النقض* از حیث ساختار بیرونی، یعنی اوضاع سیاسی- اجتماعی زمان نگارش، نویسنده آن، انگیزه نویسنده، چاپ و تصحیح و امثال آن معرفی شد. اکنون سزاوار

۱. همان، ص ۱۶.

۲. همان، پیش‌گفتار ناشر.

۳. همان، ص ۷۰.

است با توجه به محتویاتش از لحاظ سبک و شیوه نگارش، اطلاعات تاریخی و نظایر آن بررسی گردد.

۱. سبک و شیوه نگارش

نویسنده بعضی فضائح الروافض کتابش را به قصد تحریک احساسات و اغوای مردم عوام نگاشت و نسخه‌ای از آن را به قزوین فرستاد که غالب جمعیت آن سنی‌مذهب بودند و نسخه دیگری را برای خود نگه داشت و به صورت پنهانی برای مردم عوام می‌خواند تا آنها را علیه شیعیان برانگیزاند.^۱ عبدالجلیل درمقابل، کتاب بعضی مطالب النواصب فی نقض بعضی فضائح الروافض را به زبانی ساده و به دور از تکلفات علمی و ادبی، اما بر پایه استدلالات محکم نگاشت تا فتنه وی را پاسخ داده باشد.

او النقض را با خطبه‌ای فارسی، مشتمل بر حمد و سپاس خدا، آغاز می‌کند و در ادامه، به سبب نگارش آن اشاره می‌نماید و سپس به ارائه پاسخ به ادعاهای بعضی فضائح الروافض می‌پردازد. بدین شیوه، جملات کتاب مذکور را از "بسم الله" آغازین تا عبارت پایانی آن مجموعه که دربرگیرنده تاریخ پایان نگارش آن است، ذکر و اشاره می‌کند و به نقد آن می‌پردازد و چنین آغاز می‌کند:

در اول کتاب، این مجتبر ابتدا کرده است به بسم الله الرحمن الرحیم و چون به مذهب مجتبر، اسم و مستی یکی باشد، فایده "بسم الله" معلوم نشود و فرقی ظاهر نباشد میان خدا و نام خدا. پس نمی‌توان دانستن که ابتدا به خدای کرده است یا به نام خدای؛ چنان که در اثبات صفات، نه قدیم لازم است، بلکه به عدد اسامی هزار و یک خدایش لازم باشد و چون نام را منکر است و خدای خود قدیم است به اجماع، به مذهب بد مجتبران، این اجرا خطا باشد که خود فرقی نمی‌داند که "بسم الله" خداست یا نام خداست. آن‌گاه بعد از تسمیه، ابتدا کرده است به خطبه‌ای به تازی و این مایه از عرف معلوم نکرده که کتاب به پارسی را خطبه به تازی معهود و معتاد نباشد.^۲

او تمام سطرهای کتاب مورد نظر خود را نقل می‌کند و برایش چندین سطر پاسخ می‌نویسد؛ عقاید خویش را عقاید اصولیه امامیه می‌شمارد و مطالب بعضی فضائح الروافض را برخی لعن و شتم، برخی را بهتان و بی‌پایه، برخی را آرای اخباریه‌ای امامی و برخی را ساخته نویسنده می‌داند و می‌گوید:

۱. همان، ص ۳.

۲. همان، ص ۷.

گروهی از علمای هر طایفه، به استقصای تمام تفحص اوراق آن کتاب نموده‌اند و بر کلمات نیک و بدش وقوفی یافته‌اند و استبعاد و تعجب نموده که اصول و فروع مذاهب، بر علما و فضلا پوشیده نباشد و شتم و لعن و زور و بهتان در کتب، معتاد و معهود نبوده است بی‌دلیل و الزام. و در اثنای آن مؤلف حوالاتی و اشاراتی به متقدمان امامیه اصولیه کرده که پُری از آن مذهب غلات و اخباریه و حشویه است علی اختلاف آرائهم؛ و نفی و تبرأ از آن و از ایشان در کتب اصولیان اثنا عشریه ظاهر است و بعضی خود وضع و تمویل کرده که مذهب کسی نبوده است.^۱

این متکلم امامی، به دفاع از اعتقادات و باورهای شیعه امامیه و ردّ اکاذیب می‌پردازد و از آن جایی که علم کلام با تاریخ اسلام پیوندی عمیق دارد و بسیاری از شبهات کلامی، رنگ و بوی تاریخی به خود می‌گیرند، دست یاری به سوی علم تاریخ دراز می‌کند و از اندوخته تاریخی خویش مدد می‌گیرد. به همین مناسبت، به ذکر روی‌دادهای مختلفی از صدر اسلام تا عصر حیات خویش می‌پردازد و اطلاعات بسیار سودمندی در زمینه تاریخ اسلام در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد. اما از آن جایی که به عموم مردم خطاب کرده، از آوردن سند، استنادات و ارجاعات خسته‌کننده می‌پرهیزد. وی به جز در پاره‌ای موارد که کلام خویش را با ذکر منبع آن مستند می‌سازد، در سایر موارد، بر اختصار و اقتصار بسنده می‌کند. با این حال، در مواردی به تحلیل، تعلیل و تبیین حادثه می‌پردازد و ظهور و نمود عقل‌گرایی را به خوبی در آثار خویش نشان می‌دهد.

۲. بررسی محتوای تاریخی کتاب

عمده اطلاعاتی که *النقض* درباره تاریخ به خوانندگان خود عرضه می‌کند در سه محور خلاصه می‌شود:

نخست. اوضاع سیاسی - اجتماعی عصر نویسنده: وی در این زمینه، به اسامی شهرها، مناطق مهم اهل سنت (اصفهان، همدان، ساوه، قزوین و آذربایجان)^۲ و در مقابل، شیعیان آن روز (قم، کاشان، آبه، مازندران و سبزوار)^۳ اشاره می‌کند؛ اوضاع سیاسی نامناسب گذشته شیعیان را یادآور می‌شود؛ از اوضاع نسبتاً مطلوب عصر خویش سخن می‌گوید؛ قدرت و توانایی سیاسی - اقتصادی شیعیان ری، عالمان و بزرگان آنان، رویارویی مردم و حکومت با فتنه اسماعیلیان الموت، فرق و مذاهب اسلامی موجود در ری، محله‌های شیعه‌نشین و

۱. همان، ص ۳.

۲. همان، ص ۱۱۱.

۳. همان، ص ۷۷ و ۱۱۱.

سنی نشین ری، مساجد، کتابخانه‌های ری مانند کتابخانه صاحبی و دیگر شهرها مانند کتابخانه بزرگ اصفهان، کتابخانه بوطاهر خاتونی ساوه^۱ و مدارس معروف شیعی (مدرسه بزرگ سید تاج‌الدین محمد کیسکی در کلاه‌دوزان، مدرسه شمس‌الاسلام حسکابابویه، مدرسه خانقاه زنان، مدرسه بُلُفتوح، مدرسه فقیه علی جاسبی در کوی اصفهانیان، مدرسه خواجه عبدالجبار مفید، مدرسه کوی فیروز، مدرسه خواجه امام رشید رازی در دروازه‌ی جاروب‌بندان، مدرسه شیخ حیدر مکی در مصلحگاه)^۲ کتاب‌های فقهی متداول آن زمان (مُتَمَنَعه، عویص، فرائض، مصباح مرتضی، شرایع علی حسینان، من لا یحضره الفقیه، علل الشرایع، عمل و یوم لیل، هدایة المسترشد، المراسم العلویه فی الاحکام النبویه، الجمل و العقود، المغنی فی الفقه، فقه القرآن، مناسک الزیارات، عروض العدوی، وفاق العامه و الخاصه، المذهب، تهذیب الاحکام، المبسوط)^۳، آداب و رسوم مردم^۴ و امثال آن را برمی‌شمارد. بدین ترتیب، آگاهی‌های بسیار ارزش‌مندی در اختیار ما قرار می‌دهد. برای مثال، از سنتی به نام «منقبت‌خوانی» در میان شیعیان یاد می‌کند که عده‌ای با عنوان «منقبت‌خوان»^۵، در کوچه و بازار و مناطق پرعبور و مرور حاضر می‌شدند، مناقب و فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) را می‌خواندند و با استقبال و تکریم بزرگان و متمولان شیعی مواجه می‌شدند. در مقابل، جمعی از اهل سنت با عنوان «فضایل‌خوان»^۶ در کوی و برزن به راه می‌افتادند و به فضیلت‌خوانی خلفای سه‌گانه و لعن و شتم دیگران می‌پرداختند.^۷

دوم. حوادث صدر اسلام: شیخ عبدالجلیل به مناسبت‌های مختلف، موارد متعددی از رویدادهای صدر اسلام را نقل می‌کند که برخی از آنها عبارت انداز: غزوه خیبر، ماجرای سقیفه،^۸ واقعه ردّ الشمس، تشییع جنازه امام حسن (علیه السلام).

سوم. تاریخ تشیع: تاریخ تشیع را نمی‌توان جدای از آن دو محور پیشین دانست؛ اما از آنجایی که برخی از موارد، روی دادهای تاریخی بین دو مقطع تاریخی ذکرشده را شامل می‌شود، می‌توان آن را عنوانی جدا و قسیم دو عنوان مذکور قرار داد؛ به‌ویژه که نویسنده،

۱. النقص، ص ۱۸.

۲. همان، ص ۳۵-۳۶.

۳. همان، ص ۳۸-۳۹.

۴. همان، ص ۷۷، ۱۰۸.

۵. همان، ص ۶۴-۶۵ و ۷۷، ۱۰۸.

۶. همان، ص ۵۹، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۷ و ۶۰۲.

مطالبی را درباره تاریخ پیدایش شیعه^۱ و امثال آن ذکر می‌کند. برای مثال، به نام برخی از راویان ثقه ائمه (ابوبصیر، زید شحام، علی بن یقطین، سدیرالصراف، معلی بن خنیس، معاویه بن عمار، جابر جعفی، عمارالدھنی، محمد بن الصلت، هشام بن حکم، ابوجعفر بصری و امثالهم)^۲ و دانش‌مندان و عالمان شیعی^۳ اشاره می‌نماید.

۳. تأثیرپذیری از جو سیاسی حاکم

شیعه در زمان نگارش کتاب *النقض*، دارای جمعیت چشم‌گیر و تأثیرگذاری بودند (به‌ویژه در ری)، اما از لحاظ سیاسی، اهرم قدرت در دست حاکمان و فرمان‌روایان سلجوقی قرار داشت که تابع مذهب اهل سنت بودند. با توجه به این نکته و با بررسی برخی از آرای نویسنده، به نظر می‌رسد در برخی موارد، فضای سیاسی حاکم در آن دوره، بر برخی از آرای تاریخی و کلامی علمای شیعه آن زمان تأثیر گذاشته که عبدالجلیل یکی از آنان است.^۴ البته عقاید مذکور در *النقض*، به نویسنده آن اختصاص ندارد، بلکه گروهی از علمای شیعه، به‌ویژه عالمان ری، در این عقاید با وی هم‌اندیشه بوده‌اند و همین امر، ادعای یادشده را در فراگیر بودن این اندیشه تأیید می‌کند.

برای نمونه، وی حدیث «افک» را که بنابر شواهد، قراین و باورهای شیعی، به ماریه قبطیه مربوط است، طبق باور اهل سنت بر عایشه تطبیق می‌کند و می‌گوید:

و اگر جماعتی منافقان در عهد رسول ﷺ چون مسطح بن اثاثه بن عباد بن عبدالمطلب و حسان بن ثابت و عبدالله بن ابی، عایشه را تهمت نهادند - حاشا عنها - هفده آیت محکم از قرآن بیامد به براءت ذمت وی و کذب ایشان و در آخر آیت بگفت که «لعنوا فی الدنيا و الآخرة»^۵ تا این همه تهمت و شبهت - بحمدالله و منه - از اسلام و اسلامیان زایل شد.^۶

نمونه دیگر این جریان، موضع‌گیری وی در برابر اعتقاد به رجعت است. نویسنده سنی از قول «مؤمن الطاق» می‌گوید:

۱. همان، ص ۲۷.

۲. همان، ص ۲۰۹.

۳. همان، ص ۲۰۹-۲۱۳.

۴. به همین جهت، برخی از پژوهش‌گران شیعه در مورد کتاب *مفتاح الراحات* وی گفته‌اند: «او این کتاب را از روی تقیه نوشته است و تقیه او از حکام بوده است». (الذریعه، ج ۲۴، ص ۲۸۵)

۵. سوره نور، آیه ۲۳.

۶. *النقض*، ص ۱۱۵.

و حسین بن علی و شهیدان کربلا پیش از قیامت به چهارصد سال زنده شوند و یزید و ابن زیاد و قاتلان ایشان، همه زنده شوند تا حسین و شهیدان ایشان را بکشند و به قیامت، به دوزخ فرستند.^۱

عبدالجلیل پاسخ می‌دهد:

و حدیث زنده شدن حسین و شهدای کربلا به دنیا، مذهب محققان شیعت خود آن است که هم در آن حال که کشته شدند، زنده شدند به دلالت قرآن که «و لا تحسین الذین قتلو فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون فرحین بما آتاهم الله من فضله»^۲ و وجه تأویلات آیت (را) این موضع احتمال نکند. چون خواهند رجوع با تفاسیر و کتب شیعت می‌کنند تا شبهت زایل می‌شود و مقصود به حاصل می‌آید. اما آن چه گفته است که «پیش از قیامت، یزید و زیاد و خوارج باز زنده کنند و بکشند» اصلی ندارد و از جمله خرافات و توهات باشد و با اصول راست نیست، بلکه به قیامت زنده شوند و جزای اعمال بد خود بستانند و با فرعون و قارون، ابد در عقوبت دوزخ بمانند.^۳

وقتی که نویسنده‌ی بعضی فضاخ الروافضی از زبان شیعیان نقل می‌کند:

عمر در بر شکم فاطمه زد و کودکی را در شکم او کشت که رسول او را محسن نام نهاده بود.^۴

چنین پاسخ می‌گوید:

این خبری ست درست؛ و بر این وجه نقل کرده‌اند و در کتب شیعی و سنی مذکور و مسطور است. اما خبر مصطفی است که «انما الاعمال بالنیات». اگر غرض عمر آن باشد که علی را به در برد تا بیعت کند بر خلافت بوبکر، نه آن بوده باشد که چنین سقط شود و ممکن که خود نداند که فاطمه در پس در ایستاده است، اگر چنین باشد، آن قتل را خطأ گویند و اگر عمداً کرده باشد هم نه معصوم است، حاکم خداست در آن نه ما؛ و در این فصل بیش از آن نتوان گفت - والله اعلم باعمال عباد و بضمائهم و بسرائهم.^۵

۱. همان، ص ۲۸۵.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۶۹-۱۷۰.

۳. النقص، ص ۲۸۶-۲۸۷.

۴. همان، ص ۲۹۸.

۵. همان.

او درباره پرچم‌های رسول‌الله در غزوات اظهار می‌دارد که به باور شیعیان، رسول خدا سه رنگ پرچم داشت:

سیاه به عباس داد و اولاد او، اقتدا به پدر خود کردند؛ و سبز به عثمان عفان داد، ملوک و سلاطین اقتدا بدو کردند؛ و سفید و زرد در روز فتح مکه از سعد عباده انصاری بازستد و به امیرالمؤمنین علی داد.^۱

نتیجه

این اثر، نگاشته‌ی "عبدالجلیل قزوینی رازی"، بازمانده‌ی عصر هرج و مرج سیاسی سرزمین‌های اسلامی و کشاکش فرق و مذاهب کلامی است. وی یکی از متکلمان، سخنوران و عالمان نامدار شیعه در ری می‌باشد. در اواخر قرن پنجم متولد و در نیمه‌ی دوم سده‌ی ششم هجری یعنی پس از سال ۵۶۰ وفات کرد. وی آثار متعددی در موضوعات کلامی دارد که عبارتند از: کتاب "تنزیه عائشه"، "مفتاح الراحات فی فنون الحکایات، البراهین فی امامة امیر المؤمنین"، "السؤالات و الجوابات" و نیز کتاب "بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض" که به "النقض" معروف است.

کتاب "النقض" در ردّ "بعض فضائح الروافض" نوشته شده است. معروفترین اثر شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی کتاب النقض است که یک مجموعه‌ی ارزشمند کلامی-تاریخی شیعه، با زبان فارسی و نثری شیواست. عبدالجلیل در فاصله‌ی سالهای ۵۴۷ تا ۵۵۴ نگارش "النقض" را آغاز و در محرم الحرام سال ۵۵۵ هجری به پایان رسانید. این کتاب به سبب گزارش‌های سیاسی-اجتماعی و بازگو کردن اوضاع، آداب و رسوم زندگانی مردم و جامعه‌ی انسانی دیار ری، حائز اهمیت است.

کتاب مذکور در حال حاضر با تحقیق مرحوم "محدث ارموی" همراه با دو جلد تعلیقات که در مجموع بالغ بر دو هزار صفحه منتشر شده و در اختیار محققان و دوست‌داران فرهنگ و ادب فارسی قرار گرفته است.

۱. همان، ص ۵۵۹-۵۶۰.

فهرست منابع

۱. افندی میرزا عبدالله، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، به اهتمام سید محمود مرعشی، تحقیق سیداحمد حسینی، چاپخانه خیام، قم ۱۴۰۱ق.
۲. بغدادی اسماعیل باشا، *هدیه العارفین*، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۳ق.
۳. جعفریان رسول، *تاریخ ایران اسلامی*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱.
۴. حر عاملی، *امل الامل*، تحقیق سید احمد حسینی، دارالکتاب الاسلامی، قم ۱۳۶۲ش.
۵. سهیل طقوش، *تاریخ سلاجقه الروم فی آسیای الصغری*؛ بیروت، دارالنفائس، ۱۴۲۳ق.
۶. شوشتری قاضی نورالله، *مجالس المؤمنین*، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۷ش.
۷. طهرانی آقا بزرگ، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، دارالاضواء بیروت.
۸. عماد الدین محمد بن محمد حامد الاصفهانی، *تاریخ دولت آل سلجوق*، مقدمه یحیی مراد، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۵ق.
۹. قزوینی رازی عبدالجلیل، *التقصر*، تصحیح جلال الدین محدث ارموی، انجمن آثار ملی، تهران ۱۳۵۸ش.
۱۰. کلیفورد ادموند بوسورث، *سلسله های اسلامی*، ترجمه فریدون بدره ای، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تهران، ۱۳۷۱ش.
۱۱. منتجب الدین علی بن بابویه رازی، *الفهرست*، تحقیق سید جلال الدین محدث ارموی، کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم ۱۳۶۶ش.
۱۲. موسوی خوانساری میرزا محمدباقر، *روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات*، دارالاسلامیه، بیروت ۱۴۱۱ق.